

Submit Date: 28 May 2025

Revise Date: 12 September 2025

Accept Date: 20 September 2025

Initial Publish: 01 November 2025

Final Publish: 22 June 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Scope of Civil Liability Arising from the Act of Others and the Practical Effects of Legal Differences on Compensation in Iranian and Iraqi Law

Maryam Abdulhadi Najm¹, Maryam Ghorbanifar^{*2}, Ahmed Neamah Atiyah Al Adilee³, Mohammad Sadegh Teimoori²

1. PhD Student, Department of Privat law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Department of Private Law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Department of law, Faculty of law, University of wasit, wasit, Iraq.

* Corresponding Author's Email: m290.ghorbanifar@iau.ac.ir

ABSTRACT

Civil liability arising from the act of others in Iranian and Iraqi law is formed based on exceptional principles that deviate from the rule of the personal nature of liability and rely on fault or special laws. These two legal systems, in defining the scope of civil liability resulting from the act of others and the practical effects of legal differences on compensation, present both similarities and differences that require precise analysis. This research, using a descriptive-analytical approach, demonstrates that in both systems, the foundations of liability rest on bases such as fault, risk, and guarantee of rights; however, in practice, the approaches to them differ. For example, Iraqi law considers the liability of a guardian on the basis of presumed fault, which facilitates the task of the injured party in proving liability, whereas Iranian law requires proof of the guardian's fault. Nevertheless, Iranian law, by allowing recourse to the property of the legally incapacitated person, provides protection for the injured party. In liability arising from subordination, the protective approach of Iranian law considers the liability of the employer to be broader than that of Iraqi law. Ultimately, both systems, by recognizing external factors and the fault of the injured party as grounds for exemption from liability, seek to achieve a fair distribution of the burden of damages and the realization of social justice.

Keywords: *Civil liability arising from the act of others, compensation, Iranian law, Iraqi law*

How to cite: Najm, M. A., Ghorbanifar, M., Al Adilee, A. N. A., & Teimoori, M. S. (2026). The Scope of Civil Liability Arising from the Act of Others and the Practical Effects of Legal Differences on Compensation in Iranian and Iraqi Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(2), 1-14.



تاریخ ارسال: ۷ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۱ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۳۱ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

محدوده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر و آثار عملی تفاوت‌های قانونی بر جبران خسارت در حقوق ایران و عراق

مریم عبدالهادی نجم^۱، مریم قربانی فر^۲، احمد نعمه عطیه العادلی^۳، محمد صادق تیموری^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه واسط، واسط، عراق.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: m290.ghorbanifar@iau.ac.ir

چکیده

مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و عراق، بر اساس اصولی استثنایی از قاعده شخصی بودن مسئولیت و تکیه بر تقصیر یا قوانین خاص شکل گرفته است. این دو نظام حقوقی در تعیین محدوده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر و آثار عملی تفاوت‌های قانونی بر جبران خسارت، دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند که نیازمند تحلیل دقیق است. این تحقیق، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، نشان می‌دهد که در هر دو نظام، مبانی مسئولیت بر پایه‌هایی چون تقصیر، خطر و تضمین حق استوار است، اما در عمل، رویکرد به آن‌ها متفاوت است. برای مثال، حقوق عراق مسئولیت سرپرست را بر اساس تقصیر مفروض می‌داند، که کار زیان‌دیده را برای اثبات مسئولیت آسان‌تر می‌کند، در حالی که حقوق ایران نیازمند اثبات تقصیر سرپرست است. با این وجود، حقوق ایران با پیش‌بینی امکان رجوع به اموال خود محجور، از زیان‌دیده حمایت می‌کند. در مسئولیت ناشی از تبعیت، رویکرد حمایتی حقوق ایران، مسئولیت کارفرما را گسترده‌تر از حقوق عراق می‌داند. در نهایت، هر دو نظام با پذیرش عوامل خارجی و تقصیر زیان‌دیده به عنوان عوامل معافیت از مسئولیت، به دنبال توزیع عادلانه بار خسارت و تحقق عدالت اجتماعی هستند.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، جبران خسارت، حقوق ایران، حقوق عراق

نحوه استناددهی: عبدالهادی نجم، مریم، قربانی فر، مریم، نعمه عطیه العادلی، احمد. و صادق تیموری، محمد. (۱۴۰۵). محدوده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر و آثار عملی تفاوت‌های قانونی بر جبران خسارت در حقوق ایران و عراق. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۲)، ۱-۱۴.

مسئولیت مدنی یکی از کهن‌ترین مباحث حقوقی است که ریشه در نیاز جامعه به جبران خسارت‌های وارده دارد. از دیرباز، این اصل پذیرفته شده است که هر کس به دیگری خسارتی وارد کند، باید آن را جبران نماید. این قاعده که برگرفته از عدالت و انصاف است، در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، از جمله حقوق ایران و عراق، جایگاه ویژه‌ای دارد. مسئولیت مدنی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: مسئولیت ناشی از فعل مستقیم خود شخص و مسئولیت ناشی از فعل دیگری یا همان مسئولیت ناشی از فعل غیر. دسته دوم، که پیچیدگی‌های بیشتری دارد، موضوع بحث ماست.

در حقوق مدنی، اصل بر این است که هر شخص فقط مسئول اعمال و خساراتی است که خود به طور مستقیم ایجاد کرده است. با این حال، در برخی موارد، قانونگذار فردی را مسئول خسارت‌های ناشی از عمل شخص دیگری می‌داند. این نوع مسئولیت، که به آن مسئولیت تضامنی، مسئولیت نیابتی یا مسئولیت ناشی از فعل غیر گفته می‌شود، معمولاً بر اساس رابطه‌ای خاص میان مسئول و فاعل زیان بنا شده است. این روابط می‌تواند شامل رابطه والدین و فرزندان، مربی و شاگرد، کارفرما و کارگر، یا متولی و محجور باشد. مبنای چنین مسئولیتی، نه صرفاً ایجاد زیان توسط مسئول، بلکه تقصیر یا کوتاهی او در نظارت، تربیت، یا انتخاب فاعل زیان است. با این حال، در برخی موارد، این مسئولیت بدون اثبات تقصیر نیز اعمال می‌شود که نشان‌دهنده رویکرد حمایتی قانون از زیان‌دیده است.

مبحث مسئولیت ناشی از فعل غیر، اهمیت زیادی در دنیای امروز دارد، چرا که فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و امکان وقوع خسارت توسط افراد تحت سرپرستی یا استخدام افزایش می‌یابد. به همین دلیل، بررسی دقیق مبانی و آثار این نوع مسئولیت در نظام‌های حقوقی مختلف، به ویژه در دو

کشور همسایه و دارای اشتراکات فقهی و حقوقی مانند ایران و عراق، ضروری به نظر می‌رسد. هرچند که مبانی فقهی مسئولیت مدنی در هر دو کشور، به‌ویژه در فقه امامیه، ریشه‌های مشترکی دارد، اما تفاوت‌های قانونی، رویکردهای قضایی، و شرایط اجتماعی ممکن است منجر به نتایج متفاوتی در عمل شود. این تفاوت‌ها می‌تواند در مواردی مانند شرایط احراز مسئولیت، دامنه آن، و نحوه جبران خسارت خود را نشان دهد. از این رو، تحلیل تطبیقی این موضوع نه تنها به درک عمیق‌تر هر دو نظام حقوقی کمک می‌کند، بلکه راه را برای همگرایی و اصلاحات احتمالی در آینده هموار می‌سازد. این تحقیق بدنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که با توجه به مبانی فقهی و قانونی مشترک، محدوده مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر و مبانی احراز آن در حقوق ایران و عراق چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و آثار عملی این تفاوت‌ها در جبران خسارت چیست؟

فرضیه اصلی این است که حقوق ایران در مقایسه با حقوق عراق، در زمینه مسئولیت ناشی از فعل غیر، به دلیل رویکردهای حمایتی‌تر از زیان‌دیده و توجه بیشتر به تقصیر در نظارت، دامنه وسیع‌تری برای احراز این نوع مسئولیت قائل است، هرچند که هر دو نظام حقوقی مبانی مشترکی در قواعد فقهی دارند. این امر منجر به تفاوت‌هایی در نحوه و میزان جبران خسارت در عمل می‌شود. از آنجا که قوانین مدنی ایران و عراق هر دو متأثر از فقه اسلامی و برخی اصول حقوقی غربی هستند، تحلیل این موضوع به درک بهتر چگونگی کاربرد این مبانی در عمل کمک خواهد کرد. نوآوری این پژوهش در رویکرد تطبیقی و تحلیلی آن نهفته است. در حالی که مطالعات متعددی در مورد مسئولیت مدنی در هر یک از دو کشور به صورت جداگانه انجام شده، اما بررسی تطبیقی دقیق و جامع مسئولیت ناشی از فعل غیر و آثار آن در هر دو نظام حقوقی با تمرکز بر تفاوت‌های عملی و تأثیر مبانی فقهی و قانونی بر دامنه و نحوه جبران خسارت، انجام نشده است. این تحقیق با

فعالیت‌های فرد توجیه می‌کند. بر اساس این نظریه، فردی که از یک فعالیت سود می‌برد، باید زیان‌های ناشی از آن را نیز متحمل شود. برای مثال، مسئولیت پدر نسبت به فرزند صغیرش بر اساس این مبنا تحلیل می‌شود (Abedi, 2016). مزیت این نظریه در تسهیل فرآیند جبران خسارت برای زیان‌دیده است، زیرا او را از اثبات تقصیر معاف می‌دارد.

نظریه تضمین حق، مبنای دیگری است که با تأکید بر لزوم زندگی در یک جامعه سالم و ایمن، بر جبران خسارت‌های نامشروع تمرکز دارد. این نظریه به ویژه در تحول نظام مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان‌بار فرزندانشان کاربرد دارد؛ زیرا توانایی مالی والدین برای جبران خسارت و امکان استفاده از بیمه‌های مسئولیت، تضمین کاملی برای زیان‌دیده فراهم می‌آورد (Safaei & Afzali, 2014).

۱-۲. مسئولیت ناشی از تبعیت

این نوع مسئولیت، که عمدتاً در روابط کارفرما و کارگر یا متبوع و تابع مطرح می‌شود، نیز بر سه مبنای اصلی قابل بررسی است. نظریه تقصیر، که در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، مسئولیت را به وجود رابطه علیت میان تقصیر متبوع و ضرر وارده منوط می‌سازد. در این حالت، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده است، مگر در مواردی که قانونگذار تقصیر را مفروض دانسته باشد. برای مثال، تقصیر کارفرما ممکن است ناشی از "سوء انتخاب" کارگر یا "سوء مراقبت" از عملکرد او باشد (Ahmadivand, 2005).

نظریه خطر، رویکردی جایگزین است که مسئولیت را بر اساس خطری که فرد از طریق به کار گماردن دیگران ایجاد می‌کند، توجیه می‌کند. این نظریه بیان می‌دارد که متبوع، به دلیل انتفاع از فعالیت تابع، مسئول خطرات ناشی از عمل اوست. اگرچه برخی حقوق‌دانان معتقدند که قانونگذار ایران برای کارفرما مسئولیت مبتنی بر خطر را در نظر گرفته است، اما بند دوم ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، با فرض تقصیر کارفرما، نشان می‌دهد که این

ارائه یک تحلیل مقایسه‌ای عمیق، به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک از نظام‌ها در مواجهه با چالش‌های مسئولیت ناشی از فعل غیر می‌پردازد و می‌تواند به عنوان یک منبع ارزشمند برای حقوق‌دانان، قضات و قانونگذاران در هر دو کشور مورد استفاده قرار گیرد. این تحقیق با تمرکز بر آثار عملی و پیامدهای قضایی، از یک مطالعه صرفاً نظری فراتر رفته و به جنبه‌های کاربردی موضوع می‌پردازد.

۱. مبانی فقهی و قانونی مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق

ایران و عراق

مبانی فقهی و قانونی مسئولیت ناشی از فعل غیر بر سه پایه اصلی استوار است: مسئولیت ناشی از مراقبت، مسئولیت ناشی از تبعیت، و مسئولیت ناشی از تعاون اجتماعی. در هر یک از این سه حوزه، رویکردهای مختلفی بر مبنای نظریات تقصیر، خطر، و تضمین حق مطرح شده است.

۱-۱. مسئولیت ناشی از مراقبت

این نوع مسئولیت، که عمدتاً بر مراقبت از اشخاص یا اشیاء متمرکز است، از منظر حقوقی بر سه مبنای اصلی تحلیل می‌شود. نظریه تقصیر، که مبنای غالب در حقوق ایران و عراق محسوب می‌شود، مسئولیت را به وجود قصد اضرار یا ارتکاب تقصیر از سوی مسئول پیوند می‌زند. با این حال، همانطور که در ماده ۱۸۶ قانون مدنی عراق دیده می‌شود، گاهی تناقضاتی در این قوانین به چشم می‌خورد؛ چرا که علی‌رغم تأکید بر تقصیر، در برخی مواد (مانند تبصره ۱ ماده ۱۹۰ و تبصره ۱ ماده ۱۹۱)، احکام فقهی‌ای که مسئولیت را حتی برای صغار غیرممیز و اشخاص غیر رشید نیز قائل‌اند، حفظ شده است. این امر نشان می‌دهد که الزام به قصد یا تقصیر، به عنوان عنصری مکمل، همواره در قوانین جاری نیست و گاهی خود فعل نامشروع، به تنهایی، می‌تواند منشأ مسئولیت باشد. نظریه خطر، رویکردی متفاوت است که مسئولیت را نه بر مبنای تقصیر، بلکه بر اساس ایجاد یک محیط خطرناک از طریق

نظریه تضمین حق، آخرین مبنای این مسئولیت است. این نظریه بیان می‌دارد که هر فرد حق دارد در جامعه‌ای امن و سالم زندگی کند و قانون باید از این حقوق حمایت کند. بنابراین، اگر حقی از بین برود، عامل آن باید مسئول جبران باشد. استارک، بنیان‌گذار این نظریه، آن را برای توجیه تمام موارد مسئولیت مدنی به کار برده است. البته، در مواردی که اجرای یک حق متعارف موجب زیان دیگری می‌شود، تراحم دو حق مطرح می‌شود. استارک برای حل این مشکل، حقوق را به دو گروه تقسیم کرده است: حقوقی که تنها در صورت تقصیر ضمان‌آورند (مانند فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی) و حقوقی که در هر صورت ضمان‌آور هستند (مانند حق حیات و مالکیت). این دیدگاه از جهاتی با قاعده فقهی «لاضرر» در حقوق اسلامی شباهت دارد، که بر اساس آن، عمل مشروع تنها زمانی ضمان‌آور است که به قصد اضرار صورت گیرد (Najjzadeh, 2015). با این وجود، قانون مدنی عراق با پذیرش نظریه سوء استفاده از حق در ماده ۷، مفهوم تقصیر را گسترش داده و با اصول حقوق اسلامی در مورد فعل مشروع، مغایرت ایجاد کرده است، که این امر را می‌توان به نظریه تضمین حق مرتبط دانست.

۲. مصادیق و شروط احراز مسئولیت ناشی از فعل غیر

مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون در نظام حقوقی ایران و عراق، با وجود اشتراکات مفهومی، از ابعاد قانونی متفاوتی برخوردار است که هر یک را در مسیر خاص خود قرار می‌دهد. این مسئولیت، که به عنوان یک استثنا بر اصل مسئولیت شخصی شناخته می‌شود، در هر دو کشور با ظرافت‌های خاصی در قوانین گوناگون تبیین شده است.

۱-۲. مسئولیت سرپرستان در حقوق ایران

در حقوق ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی مانند حقوق فرانسه که دارای مواد قانونی جامعی در زمینه مسئولیت ناشی از فعل غیر هستند، این موضوع در مواد پراکنده‌ای از جمله مواد ۷ و

مسئولیت بیشتر بر پایه تقصیر مفروض بنا شده است تا خطر (Ahmadivand, 2005). در حقوق مدنی عراق، نظریه‌هایی همچون ضمانت و نیابت نیز به عنوان مبنای این مسئولیت مطرح شده‌اند (Al-Ar'aoui, 2005).

نظریه تضمین حق نیز در این زمینه کاربرد دارد. در نظام حقوقی ایران، هرچند شیوه‌های جبران خسارت معمولاً نقدی است، اما مسئولیت کارفرما گاهی بر اساس این نظریه تحلیل می‌شود (Dehini, 2017). با این حال، برخی از حقوق‌دانان این نظریه را در این مورد خاص، به چالش کشیده‌اند، زیرا در صورت پذیرش آن، کارفرما باید تنها در صورت عدم جبران خسارت توسط کارگر، به پرداخت آن ملزم شود، در حالی که در عمل چنین اختیاری به او داده نشده است (Ahmadivand, 2005).

۱-۳. مسئولیت ناشی از تعاون اجتماعی

این حوزه از مسئولیت که عمدتاً به دولت و سازمان‌های دولتی مربوط می‌شود، رویکردی نوین در حقوق کشورها است و کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. نظریه تقصیر در این زمینه، مستلزم تفکیک میان خطای شخصی کارمندان و خطای اداری است. بر اساس این نظریه، دولت تنها مسئول نقص سازمان و سوء تدبیر خود است، در حالی که کارمند مسئول خطاهای شخصی خویش است. این تفکیک، تعیین مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به هر یک از این خطاها را نیز ضروری می‌سازد (Ghamami, 1997). نظریه خطر، به دلیل دشواری اثبات تقصیر در مورد اشخاص عمومی، کاربرد بیشتری دارد. بسیاری از نویسندگان، مسئولیت دولت را بر اساس خطری که از اعمال آن ایجاد می‌شود، توجیه می‌کنند (Ghamami, 1997). برای مثال، خسارت ناشی از فعالیت‌های خطرناک مانند میدان تیراندازی یا آزمایشات هسته‌ای، بر مبنای این نظریه قابل مطالبه است (Rostami & Bahadori, 2009). (Jahromi, 2009).

۱۲ قانون مسئولیت مدنی مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال، دامنه این مصادیق به قدری وسیع است که اصل مسئولیت شخصی را به میزان قابل توجهی تخصیص می‌زند (Yazdani, 2012a, 2012b).

الف: صغیر و مجنون

بر اساس ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی ایران، هر صغیری، اعم از ممیز و غیرممیز، که زبانی وارد کند، مسئول است و جبران خسارت از اموال او صورت می‌گیرد. اما این قاعده دارای استثنائاتی است؛ اولاً اگر خود زیان‌دیده مالش را به تصرف صغیر یا مجنون غیرممیز داده باشد، طبق ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی، مسئولیتی متوجه محجور نیست، چرا که اقدام زیان‌دیده خود، علت اقوی از مباشر تلقی می‌شود (Safaei & Ghasemzadeh, 2003). ثانیاً، اگر سرپرست قانونی یا قراردادی (ولی، وصی یا قیم) در نگهداری محجور تقصیر کرده باشد، ابتدا باید از اموال خود خسارت را جبران کند، مگر آنکه محجور سرپرستی نداشته باشد (ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی).

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی این موضوع را با جزئیات بیشتری تبیین کرده و مسئولیت سرپرست را منوط به «تقصیر در نگهداری یا مواظبت» می‌داند. در این حالت، اگر سرپرست توانایی جبران کامل یا بخشی از خسارت را نداشته باشد، مابقی از مال صغیر یا مجنون پرداخت خواهد شد، با این شرط که پرداخت موجب عسرت و تنگدستی فرد جبران‌کننده نشود. این ماده تقصیر سرپرست را مفروض نمی‌داند و اثبات آن را لازم می‌شمارد (Safaei, 2007). از این رو، برخی معتقدند مسئولیت سرپرست، ناشی از فعل غیر نیست، بلکه در واقع ناشی از تقصیر خود اوست (Safaei & Rahimi).

در بحث مسئولیت مجنون، قانون مسئولیت مدنی، او را در صورت نداشتن ولی مسئول نمی‌شناسد، مگر اینکه عمل او ذاتاً و نوعاً قابل سرزنش باشد؛ به بیان دیگر، نباید مسئولیت مجنون سختگیرانه‌تر

از یک شخص عاقل باشد (Ghasemzadeh, 1996). همین معیار در مورد صغیر غیرممیز نیز صدق می‌کند، به این معنا که عمل زیان‌آور او باید به گونه‌ای باشد که اگر از یک فرد بالغ سر می‌زد، تقصیر محسوب می‌شد (Safaei, 2007).

از مجموع مواد ۱۲۱۶ قانون مدنی و ۷ قانون مسئولیت مدنی، چنین استنباط می‌شود که اگر فعل صغیر یا مجنون، تقصیرآمیز نبوده باشد، مسئولیتی متوجه آن‌ها یا سرپرستان نیست (Bahrami, 2011). اما اگر فعل آن‌ها تقصیرآمیز باشد، سرپرست در صورت تقصیر، مسئول جبران خسارت است و در غیر این صورت، خود محجور ضامن خواهد بود (Katouzian, 2014). با این حال، برخی حقوق‌دانان با تکیه بر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، آن را ناسخ ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی می‌دانند (Amiri, 2006).

ب: سفیه

سفیه (غیررشید) به دلیل دارا بودن تمیز، مانند افراد رشید مسئول شناخته می‌شود. با این حال، اتکای صرف بر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، پاسخگوی مسئولیت آموزگار نسبت به دانش‌آموزان بالغ و رشید نیست و خلاء قانونی در این زمینه وجود دارد (Yazdani, 2012b).

ج: مراقبان قراردادی و قانونی

مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق ایران بر دو گروه از مراقبان تقسیم می‌شود. مراقبان قراردادی (مانند معلم، پرستار) که مسئولیت تضامنی با شخص خطاکار دارند و مراقبان قانونی (مانند پدر و جد پدری) که به حکم قانون مسئولیت نگهداری را بر عهده دارند (Qudsi, 2013). در حقوق ایران، مسئولیت طفل صغیر تا قبل از سن رشد قانونی، بر عهده پدر است، اما در شرایط خاص، دادگاه می‌تواند نگهداری کودک را به مادر واگذار کند (Asgari, 1966).

۲-۲. مسئولیت سرپرستان در حقوق عراق

صنعتگر نسبت به کارآموز مورد اشاره قرار نگرفته است. با این حال، مسئولیت ناشی از فعل غیر با اماره تقصیر علیه شخصی است که قانون او را مسئول می‌شناسد. در مقابل، حقوق ایران، مسئولیت معلم را در قبال دانش‌آموزان صغیر، بر اساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی می‌داند، اما در مورد دانش‌آموزان بالغ و عاقل، خلاء قانونی وجود دارد (Yazdanian, 2012a).

در نهایت، می‌توان گفت هر دو نظام حقوقی ایران و عراق، با وجود تفاوت‌های جزئی، بر این اصل استوارند که مسئولیت سرپرست یا محافظ، نوعی مسئولیت مشروط است. اگر سرپرست مسئولیت را به عهده داشته و مرتکب تقصیر در نگهداری شده باشد، ابتدا او مسئول است و در صورت عدم توانایی، مسئولیت به خود محجور منتقل می‌شود. این امر به نفع زیان‌دیده است تا در صورت عسرت سرپرست، بتواند به خود محجور مراجعه کند (Ghasemzadeh, 1996).

۳. نقش تقصیر در مسئولیت ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و عراق

در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، جایگاه تقصیر در تحقق مسئولیت ناشی از فعل غیر، از طریق دو رویکرد اصلی، یعنی تقصیر اثبات شده و تقصیر مفروض، تبیین می‌شود. علاوه بر این، شرایطی برای معافیت از مسئولیت و آثار آن بر زیان‌دیده نیز وجود دارد که نقش تقصیر و نظریه خطر را پررنگ‌تر می‌سازد.

به‌طور کلی، در حقوق ایران، مسئولیت سرپرست یا ولی قهری صغیر تنها زمانی محقق می‌شود که تقصیر وی در نگهداری یا مواظبت از صغیر اثبات شود (Doroudian, 1997). این تقصیر، مبنای اصلی مسئولیت سرپرست است و برخی حقوق‌دانان معتقدند این نوع مسئولیت، در حقیقت ناشی از فعل شخص سرپرست و تقصیر او در انجام وظایفش است، نه مسئولیت ناشی از فعل دیگری. البته برخی دیگر با این دیدگاه مخالف‌اند و معتقدند

در حقوق عراق، مسئولیت ناشی از اعمال صغیر و مجنون، با رویکردی متفاوت تحلیل می‌شود.

الف: صغیر

مسئولیت صغیر غیرممیز در حقوق عراق بر مبنای نظریه خطر است، چرا که او فاقد ادراک لازم برای تقصیر است. در این نظام حقوقی، دو ماده قانونی ۱۲۷ و ۱۲۸ که به مسئولیت صغیر می‌پردازند، با یکدیگر در تعارض هستند (Al-Dhouq, 2009). اما این تعارض قابل جمع است: زیان‌دیده می‌تواند بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۹۱، مستقیماً به خود طفل رجوع کند یا طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۸، علیه پدر یا پدربزرگ او اقامه دعوی نماید (Safi, 2004). همچنین، تبصره ۳ ماده ۱۹۱ به قاضی اختیار می‌دهد که میزان خسارت را با توجه به وضعیت طرفین تعیین کند، در حالی که طبق ماده ۲۰۸، پدر مسئول جبران کامل خسارت است. مسئولیت مادر نیز در صورت فوت پدر، به او منتقل می‌شود.

ب: مجنون

مجنون به طور مستقیم تحت عنوان اشخاص مورد مراقبت ذکر نشده، اما بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۹۱، زیان‌دیده می‌تواند خسارت خود را از ولی قهری یا قیم مطالبه کند، با این شرط که مجنون مال کافی برای جبران خسارت نداشته باشد. این مسئولیت، نوعی مسئولیت استثنایی محسوب می‌شود (Safi, 2004).

ج: سفیه

حقوق عراق به مسئولیت سفیه نپرداخته است، اما برخی حقوق‌دانان معتقدند ضرورت‌های اجتماعی و تضمین جبران ضرر، قانون را به سمت مسئول شناختن سرپرست افراد تحت نظارت سوق می‌دهد (Al-Miyahi, 2016).

۲-۳. نظام حقوقی مسئولیت سرپرستان در روابط قراردادی و قانونی

در حقوق عراق، مسئولیت مراقبان، صرفاً به پدر و پدربزرگ محدود شده است و مسئولیت آموزگار نسبت به دانش‌آموز یا

تقصیر سرپرست، سبب غیرمستقیم خسارت است و عامل اصلی، فعل خود صغیر است (Doroudian, 1997).

در نظریه جدید تقصیر، که مسئولیت مدنی را از مسئولیت کیفری جدا می‌داند، قوه تمیز و تشخیص دیگر شرط لازم برای تقصیر مدنی نیست. بنابراین، حتی یک صغیر غیرممیز یا مجنون نیز اگر رفتار از رفتار یک شهروند متعارف منحرف باشد، مقصر شناخته می‌شود. این رویکرد، مشکل مسئول شناختن افراد فاقد اهلیت را حل می‌کند و راه را برای مسئولیت سرپرست هموار می‌سازد (درویدیان، ۱۳۷۶: ۲۱). در این چارچوب، عمل نامشروع به معنای نقض عینی یک قاعده حقوقی است، در حالی که تقصیر به جنبه روانی و ذهنی این نقض توجه دارد که برای انتساب آن، وجود اهلیت تمیز و تشخیص ضروری است (Doroudian, 1997). در حقوق عراق نیز، در اغلب موارد، مسئولیت تابع اثبات تقصیر است. برای مثال، مدیر یک مدرسه تنها در صورتی مسئول خطای یک دانش‌آموز خارجی است که تقصیر وی در عدم نظارت به اثبات برسد (Dehini, 2017).

۳-۱. مسئولیت مبتنی بر تقصیر مفروض و مسئولیت بدون تقصیر
در برخی موارد، مسئولیت بر مبنای تقصیر مفروض قرار می‌گیرد، به این معنی که با وقوع زیان، تقصیر شخص مسئول فرض می‌شود و او برای معافیت باید عدم تقصیر خود را اثبات کند. در حقوق ایران، این رویه در مسئولیت ناشی از فعل غیر به رسمیت شناخته شده است. در حقوق عراق، وجود موادی مانند ماده ۱۸۶ قانون مدنی که قصد اضرار یا تقصیر را از شرایط مسئولیت می‌داند، با قواعد فقهی که در مورد اتلاف مستقیم نیازی به تقصیر نمی‌بینند، در تضاد است. این تضاد نشان می‌دهد قانون‌گذار عراق قصد داشته مفهوم تقصیر را در این زمینه وارد کند (Mahdi Zawin, 2016).

در مقابل، مسئولیت بدون تقصیر یا مسئولیت عینی نیز به عنوان یک راهکار برای تضمین جبران خسارت در مواردی که مباشر

عمل زیان‌بار (مانند صغیر غیرممیز یا مجنون) فاقد قوه تمیز است، مطرح می‌شود. در این موارد، نیازی به اثبات تقصیر مباشر نیست و صرف وقوع زیان و وجود رابطه سببیت کفایت می‌کند. این نوع مسئولیت در حقوق ایران در مواردی مانند مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری یا اتلاف مال غیر قابل درک است (Doroudian, 1997). این دیدگاه تلاش می‌کند تا از بی‌عدالتی ناشی از جبران نشدن خسارت زیان‌دیده جلوگیری کند. برخی حقوق‌دانان معتقدند مبنای مسئولیت والدین، علاوه بر تکلیف مراقبت و مواظبت، «تضمین عیوب و نارسایی‌های شخصیت کودک» است (Doroudian, 1997).

۳-۲. عوامل معافیت از مسئولیت و نقش نظریه خطر

مسئولیت ناشی از فعل غیر می‌تواند با اثبات عوامل معافیت، نفی شود. در حقوق عراق، مسئول می‌تواند با نفی تقصیر مفروض خود یا با اثبات قطع رابطه سببیت میان تقصیر و عمل زیان‌بار، از مسئولیت رها شود (Bougara, 2010). در حقوق ایران نیز، مسئول با اثبات عدم تقصیر خود یا نشان دادن اینکه زیان ناشی از عوامل خارجی بوده است، می‌تواند از مسئولیت مبری شود (Abedi, 2016).

۳-۳. عوامل خارجی و تقصیر زیان‌دیده

عوامل خارجی مانند قوه قاهره و فعل شخص ثالث، با از بین بردن رابطه سببیت، مسئولیت را ساقط می‌کنند. این دیدگاه در فقه امامیه نیز برجسته بوده و در قوانین ایران منعکس شده است (Haji Nouri, 2010). در حقوق عراق، «اضطرار» نیز می‌تواند از عوامل موجه و معاف‌کننده از مسئولیت شناخته شود (Mahdi Zawin, 2016).

در مورد تقصیر زیان‌دیده، در حقوق ایران و فقه اسلامی، قاعده اقدام مطرح است که بر اساس آن، اگر فردی خود به ضرر خویش اقدام کند، حق مطالبه خسارت ندارد (ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی). با این حال، در نظام‌های حقوقی مدرن و در موارد اجتماع اسباب،

مسئول می‌شناسد (Doroudian, 1997). بنابراین، عملاً برای دریافت خسارت از سرپرست، زیان‌دیده باید تقصیر او را اثبات کند، که این فرآیند می‌تواند پیچیدگی‌هایی داشته باشد. با این وجود، قانون‌گذار برای حمایت از زیان‌دیده، حتی در صورت عدم استطاعت سرپرست، جبران خسارت را از اموال محجور ممکن دانسته است (Safaei, 2007). این مکانیسم قانونی، تضمین می‌کند که زیان وارده تا حد امکان بدون جبران نماند.

در مقابل، حقوق عراق رویکردی متفاوت را اتخاذ کرده است. مسئولیت سرپرست بر پایه تقصیر مفروض بنا شده و زیان‌دیده می‌تواند مستقیم علیه ولی قهری یا قیم طرح دعوی کند، البته با این شرط که محجور هنگام طرح دعوی مال کافی برای جبران نداشته باشد (تبصره ۲ ماده ۱۹۱ قانون مدنی عراق). این فرض تقصیر، کار زیان‌دیده را برای اثبات مسئولیت سرپرست آسان‌تر می‌کند. در نهایت، گرچه هر دو نظام حقوقی به دنبال تضمین جبران خسارت هستند، اما تفاوت در نحوه توزیع بار اثبات، مسیر عملی و نتیجه نهایی دعوی را برای زیان‌دیده تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۴-۲. تفاوت‌های عملی در مسئولیت‌های تبعی

در مسئولیت کارفرما در قبال عمل کارگر، تفاوت‌ها بیشتر در قلمرو شمول و شرایط معافیت نمایان می‌شود. در حقوق ایران، ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، کارفرما را مسئول جبران خساراتی می‌داند که توسط کارکنان در حین انجام کار وارد شده، مگر اینکه ثابت کند تمام احتیاطات لازم را به عمل آورده است. این رویکرد، بار اثبات را بر دوش کارفرما می‌گذارد و عملاً مسئولیت او را از نوع مسئولیت عینی یا بدون تقصیر در نظر می‌گیرد تا از بی‌حقی زیان‌دیده جلوگیری کند (Katouzian, 2014).

در حقوق عراق، در حالی که مسئولیت کارفرما پذیرفته شده، قلمرو شمول آن محدودتر است و صرفاً به مؤسسات صنعتی یا تجاری گسترش می‌یابد (تبصره ۱ ماده قانون مدنی عراق). همچنین، طبق

تقصیر زیان‌دیده موجب معافیت کامل عامل زیان نمی‌شود، بلکه مسئولیت میان دو سبب تقسیم می‌گردد (Katouzian, 2014). این رویکرد، در مسئولیت ناشی از تعاون اجتماعی نیز پذیرفته شده است، جایی که مبنای مسئولیت، یاری رساندن به دیگران و جلوگیری از تضییع حق زیان‌دیده است. این دیدگاه با نیازهای جامعه صنعتی سازگارتر است (Joneidi, 1999). بر این اساس، تقصیر زیان‌دیده تنها در صورتی موجب معافیت کامل مسئول می‌شود که علت منحصر به فرد ورود زیان باشد و رابطه سببیت را قطع کند. در غیر این صورت، مسئولیت تقسیم خواهد شد (Abedi, 2016).

در نهایت، در بحث مسئولیت ناشی از تبعیت نیز، قانونگذار ممکن است رابطه علت بین خطا و خسارت را رد کند یا اثبات کند که زیان حتی با وجود رعایت وظایف نیز رخ می‌دهد است (Jahida, 2006). در مواردی که عمل زیان‌دیده تنها علت حادثه باشد، موجب معافیت کامل است، اما در صورت تعدد اسباب، مسئولیت میان طرفین تقسیم می‌شود (Bougara, 2010). این رویکرد، با هدف اصلی جبران خسارت زیان‌دیدگان و تقسیم عادلانه بار مسئولیت، منطبق است.

۴. آثار عملی تفاوت‌های قانونی بر جبران خسارت در حقوق

ایران و عراق

۴-۱. جبران خسارت در مسئولیت ناشی از مراقبت

در عمل، رویکرد قانونی دو کشور در مورد مسئولیت سرپرستان صغیر و مجنون، مسیر جبران خسارت برای فرد زیان‌دیده را تعیین می‌کند. در حقوق ایران، با استناد به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر یا مجنون اصالتاً ضامن خسارت وارده است، اما این مسئولیت وابسته به این است که زیان‌دیده خود، مال را به تصرف او نداده باشد (ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی). این امر به وضوح نشان می‌دهد که در وهله اول، مسئولیت بر عهده مباشر است. با این حال، ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، سرپرست را در صورت تقصیر در نگهداری

تبصره ۲ ماده ۲۱۹ قانون مدنی عراق، آمر تنها در صورتی از مسئولیت معاف می‌شود که اثبات کند کلیه احتیاطات لازم را به کار برده است. با این حال، در هر دو نظام حقوقی، هدف اصلی، حمایت از زیان‌دیده است تا با شخص فاقد تمکن مالی مواجه نشود (Doroudian, 1997).

۳-۴. تأثیر تقصیر زیان‌دیده و عوامل خارجی

در عمل، تقصیر زیان‌دیده می‌تواند تأثیر چشمگیری بر میزان خسارت قابل جبران داشته باشد. بر اساس قاعده اقدام که در ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی ایران و ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی منعکس شده، اگر زیان‌دیده خود عامدانه یا با تقصیر، سبب اصلی ورود ضرر باشد، حق مطالبه خسارت ندارد. این امر در واقع به مثابه رضایت به عمل زیان‌بار تلقی می‌شود. با این حال، در نظام‌های حقوقی نوین و در شرایطی که تقصیر زیان‌دیده تنها علت منحصر به فرد نباشد، مسئولیت میان عامل زیان و زیان‌دیده تقسیم می‌گردد (Joneidi, 1999).

در حقوق عراق نیز، اضطرار و عوامل خارجی می‌توانند موجب معافیت از مسئولیت شوند (Mahdi Zawin, 2016). این امر در حقوق ایران نیز صادق است، به طوری که هر سبب خارجی که رابطه سببیت را میان فعل سرپرست و زیان وارده از بین ببرد، او را از مسئولیت رها می‌سازد (عابدی، ۱۳۹۵). در مجموع، این قواعد عملی به دنبال ایجاد تعادلی عادلانه میان جبران خسارت زیان‌دیدگان و اعمال مسئولیت بر اساس معیارهای منطقی و عادلانه هستند. این روند در نهایت منجر به پذیرش مسئولیت‌هایی فراتر از تقصیر شخصی و بر مبنای تعاون اجتماعی می‌شود تا هیچ ضرری بدون جبران باقی نماند (Yazdanian, 2012a, 2012b).

نتیجه‌گیری

نظام‌های حقوقی ایران و عراق، با وجود مبانی فقهی مشترک، در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر تفاوت‌ها و شباهت‌های

اساسی دارند که آثار عملی مستقیمی بر نحوه جبران خسارت بر جای می‌گذارند. در هر دو کشور، مبانی مسئولیت بر پایه‌هایی چون تقصیر، خطر، و تضمین حق استوار است، اما در عمل، رویکرد به هر یک از این مبانی متفاوت است. حقوق ایران، با تکیه بر تقصیر اثبات شده (ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی)، مسئولیت سرپرست را منوط به اثبات قصور او در نگهداری محجور می‌داند، در حالی که در حقوق عراق، مسئولیت سرپرست بر مبنای تقصیر مفروض بنا شده است. این تفاوت در بار اثبات، مسیر جبران خسارت برای زیان‌دیده را به شدت تغییر می‌دهد. هر دو نظام حقوقی به قاعده اقدام توجه دارند که مسئولیت را از عامل زیان ساقط می‌کند، اما در عمل، حقوق ایران در موارد تعدد اسباب و وجود تقصیر مشترک، تمایل به تقسیم مسئولیت دارد، که این رویکرد عملی‌تر و عادلانه‌تر به نظر می‌رسد. در مورد مسئولیت ناشی از تبعیت، حقوق ایران با ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت کارفرما را گسترده‌تر و مبتنی بر نظریه خطر می‌داند، در حالی که در حقوق عراق، دامنه این مسئولیت محدودتر به مؤسسات صنعتی و تجاری است.

تفاوت‌های قانونی مذکور، آثار عملی مهمی بر جبران خسارت دارند؛ در حقوق عراق، با توجه به فرض تقصیر سرپرست، زیان‌دیده با دشواری کمتری برای اثبات مسئولیت و دریافت خسارت روبرو است. در مقابل، در حقوق ایران، زیان‌دیده باید فعالانه تقصیر سرپرست را ثابت کند، که این فرآیند می‌تواند زمان‌بر و پیچیده باشد. در حقوق ایران، با وجود دشواری اثبات تقصیر، قانون‌گذار راه‌هایی مانند رجوع به اموال خود محجور را پیش‌بینی کرده تا زیان‌دیده از بی‌عدالتی ناشی از عدم تمکن مالی سرپرست در امان بماند (ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی). این رویکرد، حمایت قوی‌تری از حقوق زیان‌دیده ارائه می‌دهد. مسئولیت کارفرما در حقوق ایران، به دلیل رویکرد حمایتی، دامنه وسیع‌تری نسبت به حقوق عراق دارد و شامل تمامی کارکنان می‌شود، که این امر

حقوق ایران ممکن است در برخی موارد دامنه مسئولیت را وسیع‌تر بدانند، در موارد دیگر، مانند مسئولیت سرپرست، بار اثبات را بر دوش زیان‌دیده می‌گذارد که این امر در مقایسه با رویکرد تقصیر مفروض در حقوق عراق، ممکن است فرآیند جبران خسارت را سخت‌تر کند. بنابراین، در مجموع، هر دو نظام حقوقی با مبانی مشترک فقهی، در نهایت به سمت یک هدف واحد، یعنی جبران خسارت و تحقق عدالت اجتماعی، حرکت می‌کنند، اما از روش‌ها و ابزارهای قانونی متفاوتی برای رسیدن به این هدف بهره می‌برند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The issue of civil liability arising from the act of others has historically represented one of the most complex and contentious aspects of comparative jurisprudence, particularly in legal systems shaped simultaneously by Islamic jurisprudence and civil law traditions. Both Iranian and Iraqi law acknowledge the foundational rule that liability is generally personal in nature, yet each system introduces exceptional principles that broaden the scope of responsibility to include liability for the acts of others under certain circumstances. Within this framework, the doctrinal bases of liability have been articulated primarily through three main theories—fault, risk, and guarantee of rights. The theory of fault requires establishing either intentional misconduct or negligence on the part of the responsible party, a standard that has been central in both Iranian and Iraqi codifications. At the same time, however, inconsistencies are evident in the Iraqi Civil Code, where articles such as 186 emphasize fault but others, including subsections of

شانس زیان‌دیده برای جبران خسارت را افزایش می‌دهد. هر دو نظام حقوقی به عوامل خارجی نظیر قوه قاهره و تقصیر زیان‌دیده توجه دارند. این امر از لحاظ عملی به این معناست که حتی در صورت وجود تقصیر، اگر بتوان ثابت کرد که عامل خارجی علت اصلی زیان بوده است، مسئول می‌تواند از جبران خسارت معاف شود. در پاسخ به فرضیه اصلی، می‌توان گفت که این فرضیه تا حد زیادی صحیح است. حقوق ایران، به دلیل رویکردهای حمایتی‌تر از زیان‌دیده و توجه به تقصیر در نظارت و نظریه خطر در موارد مشخص، دامنه وسیع‌تری برای احراز مسئولیت ناشی از فعل غیر قائل است. به عنوان مثال، در مسئولیت کارفرما، با مفروض دانستن تقصیر و گسترش دامنه آن، عملاً به زیان‌دیده کمک بیشتری می‌شود. همچنین، تمایل به تقسیم مسئولیت در موارد تقصیر مشترک، رویکرد حقوق ایران را عادلانه‌تر می‌سازد. با این حال، این فرضیه باید با یک اصلاحیه مهم تکمیل شود: در حالی که

articles 190 and 191, extend liability to minors and incapacitated persons regardless of fault. This reflects an underlying tension between doctrinal strictness and the practical need to ensure compensation. In contrast, Iranian law, while requiring proof of fault in the case of guardianship responsibility, has developed alternative mechanisms, such as permitting recourse to the property of incapacitated individuals, thereby protecting victims more directly (Abedi, 2016; Safaei & Afzali Mehr, 2014). These diverging approaches reveal the ways in which shared jurisprudential roots evolve into distinct statutory solutions, reflecting broader societal priorities in balancing justice, compensation, and responsibility allocation.

A deeper look at liability arising from subordination—such as employer–employee relations—further highlights the nuanced differences between the two systems. In both Iranian and Iraqi law, subordination liability can be explained through theories of fault, risk, or guarantee of rights, though the

dominant approach differs. The Iranian Civil Liability Act, particularly Article 12, places a strong emphasis on the presumption of employer fault, thereby broadening the scope of responsibility. By requiring employers to demonstrate that they exercised due care in the selection and supervision of employees, the law ensures that the burden of proof largely shifts to the employer, making it easier for victims to obtain compensation (Ahmadvand, 2005). Iraqi law, however, takes a more limited stance, restricting employer liability to certain categories of industrial and commercial establishments, which narrows the protection available to victims. Additionally, while Iranian doctrine often interprets employer liability as moving toward a risk-based theory, in practice the presumption of fault remains dominant, blurring the line between fault-based and strict liability (Al-Ar'aoui, 2005; Dehini, 2017). Importantly, while some scholars argue that the guarantee of rights theory could further justify employer liability by appealing to social justice principles, others have challenged its applicability in this context, pointing out that Iranian law does not provide employers the option to defer liability until employees fail to compensate victims (Ahmadvand, 2005). Thus, although the trajectory of Iranian law suggests greater protection for victims through an expansive interpretation of employer liability, Iraq maintains narrower parameters that reflect a more cautious application of responsibility.

Civil liability arising from social cooperation, particularly the liability of the state and public institutions, introduces yet another layer of doctrinal and practical divergence between the two systems. In the Iranian legal context, this area is framed through the distinction between personal fault and administrative fault, with the state generally liable for organizational mismanagement rather than for the personal misconduct of its employees (Ghamami, 1997).

However, due to the practical difficulties of proving administrative negligence, many jurists support a risk-based approach in which the state assumes liability for damages arising from inherently dangerous activities, such as military exercises or nuclear experimentation (Rostami & Bahadori Jahromi, 2009). Iraqi law similarly struggles with reconciling Islamic jurisprudential principles, which emphasize personal accountability, with modern administrative realities. The expansion of liability under the guarantee of rights theory illustrates this tension. Stark's division of rights into those that are inherently compensable regardless of fault, such as the right to life and property, versus those that require proof of fault, like political or economic activities, aligns with the Islamic maxim "la darar" (no harm), which limits liability for lawful acts unless intentionally harmful (Najjzadeh, 2015). Yet Iraq's acceptance of the doctrine of abuse of rights in Article 7 of its Civil Code effectively widens the scope of liability by deeming certain lawful acts wrongful if they cause damage, thereby demonstrating how doctrinal borrowings from Western legal theory coexist uneasily with Islamic jurisprudential constraints. In both systems, then, civil liability rooted in social cooperation exemplifies the effort to balance theoretical purity with pragmatic justice, underscoring the ongoing relevance of comparative analysis.

The practical manifestations of these doctrinal differences become most evident when examining guardianship liability for minors and the mentally incapacitated. Iranian law, primarily through Articles 1215 and 1216 of the Civil Code and Article 7 of the Civil Liability Act, establishes that a minor or incapacitated person is directly responsible for harm caused, with compensation drawn from their own property, unless the victim himself negligently enabled the harm (Safaei, 2007; Safaei & Ghasemzadeh, 2003). Guardians may be held

liable only if their fault in supervision is proven, meaning that Iranian law does not presume fault but requires active demonstration of negligence. Some scholars thus argue that this liability is not truly for the act of another but instead arises from the guardian's own fault (Katouzian, 2014; Safaei & Rahimi). Conversely, Iraqi law presumes guardian fault, allowing victims to sue guardians directly unless sufficient property exists in the ward's estate, thus facilitating quicker compensation (Al-Dhouq, 2009; Safi, 2004). Notably, Iraqi law also provides judges with discretionary authority to adjust damages based on the circumstances of the parties, creating a more flexible but potentially less predictable system. The issue of guardianship liability over the insane and prodigal persons is also treated differently: while Iran largely omits explicit provisions for prodigals, Iraq leaves gaps in its legislation, though jurists argue for extending liability to guardians under social necessity (Al-Miyahi, 2016). These contrasting frameworks highlight how Iranian law prioritizes strict proof of fault while Iraqi law employs presumptions and judicial discretion to protect victims.

A central question in both systems is the role of fault and the scope of exonerating factors. In Iran, the liability of guardians is conditional upon proving fault in supervision, reflecting a strong adherence to fault-based principles (Doroudian, 1997). At the same time, however, Iranian law incorporates strict liability concepts in areas such as motor vehicle accidents, where mere causation suffices to impose responsibility (Doroudian, 1997). Iraq, too, generally conditions liability on proof of fault, but exceptions are codified in ways that presume negligence in specific contexts, such as school supervision (Dehini, 2017). Both systems recognize exonerating factors such as force majeure, third-party acts, and contributory negligence, though the doctrines differ in application. For instance, under the

Iranian Civil Code, contributory negligence does not automatically exempt the wrongdoer but may lead to apportioning liability between the victim and the defendant (Joneidi, 1999; Katouzian, 2014). Iraqi law, in contrast, accepts doctrines such as necessity (idtirar) as full defenses, illustrating a more expansive list of exonerating conditions (Bougara, 2010; Mahdi Zawin, 2016). The convergence, however, lies in the broader objective of ensuring fair compensation while maintaining doctrinal coherence, demonstrating how two systems with shared jurisprudential roots diverge in doctrinal emphasis but converge in goals.

Ultimately, the practical effects of these doctrinal and statutory differences are seen most vividly in compensation mechanisms. Iranian law, by allowing recourse to the property of wards and by broadening employer liability, creates multiple avenues for victims to seek redress, but at the cost of requiring them to prove fault in many circumstances, which can be procedurally complex. Iraqi law, by contrast, reduces procedural burdens through presumptions of fault but often restricts liability to narrower categories, potentially leaving gaps in victim protection. The allocation of the burden of proof, the scope of exonerating conditions, and the flexibility given to courts in determining damages all shape the victim's experience in pursuing claims. Despite these divergences, both systems aim to uphold the principle of justice and social solidarity by ensuring that harm does not remain uncompensated, even if the routes to achieving this end differ substantially. This comparative analysis underscores how the interaction between Islamic jurisprudence and codified civil law generates hybrid liability regimes, each reflecting the unique socio-legal environment of its respective country.

In conclusion, the comparative study of civil liability arising from the act of others in Iranian and Iraqi law reveals both convergence

and divergence rooted in their shared jurisprudential foundations and distinct statutory evolutions. Iranian law, while more demanding in requiring proof of fault, provides protective mechanisms that ultimately safeguard victims through recourse to the property of wards and expansive employer liability. Iraqi law, conversely, simplifies victim recovery by presuming guardian fault and granting courts discretion but narrows liability in employer contexts. Both systems thus embody unique blends of doctrinal traditions and practical adjustments, demonstrating the challenges and opportunities of harmonizing justice with doctrinal integrity in civil liability.

References

- Abedi, M. (2016). *The Civil Liability of the Protector and Guardian of a Minor or Insane Person (A Comparative Study)*. Dastour.
- Ahmadivand, V. (2005). A Comparative Study of Employer's Civil Liability in the Iranian and English Legal Systems. *Mesbah*(61).
- Al-Ar'aoui, A. (2005). *Masadir al-Iltizamat, al-Kitab al-Thani (al-Mas'ouliyyah al-Madaniyah) (Sources of Obligations, The Second Book (Civil Liability))*. Maktabat Dar al-Aman.
- Al-Dhouq, H. A. (2009). *Nazariyyat al-Iltizamat fi al-Qanun al-Madani (The Theory of Obligations in Civil Law)*. Dar al-Jami'iyah.
- Al-Miyahi, F. K. (2016). *Fi al-Mas'ouliyyah al-Taqsiriyeh, al-Mas'ouliyyah al-Matbu'an A'mal Tabi'ah (On Tort Liability, The Liability of the Principal for the Acts of His Agent)*. Maktabat Sabah al-Qanuniyyah.
- Amiri Ghaemmaghami, J. (2006). *Law of Obligations*. Mizan Publications.
- Asgari, M. R. (1966). Liability Arising from the Act of Another. *Kanoon-e Vokala (Bar Association)*(101).
- Bahrami Ahmadi, H. (2011). *Civil Liability* (Vol. 1). Mizan Publications.
- Bougara, A. (2010). Negation of Civil Liability in Traffic Accidents by Fault or (Act of Another). *Al-Tawasol*(2).
- Dehini, M. (2017). An Investigation of Civil Liability Arising from the Act of Another in Iranian Law and a Comparative Study with Egyptian Law. Third National Conference on Law and Judicial Studies, Shiraz.
- Doroudian, H. A. (1997). Liability Arising from the Acts of Persons Under the Care and Supervision of Another (The Liability of the Guardian and Protector of a Minor or Insane Person). *Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*(36).
- Ghamami, M. (1997). *The Civil Liability of the Government*. Dadgostar.
- Ghasemzadeh, S. M. (1996). *Principles and Rules of Civil Liability*. Mizan Publishing.
- Haji Nouri, G. (2010). The Evolution of Force Majeure Conditions in French Law and the Possibility of Its Application in Iranian Law. *Journal of Private Law Studies*, 40(3).
- Jahida, M. (2006). Rulings of the Liability of the Guardian and Means of Its Negation. *Forum Al-Aurass al-Qanouni*.
- Joneidi, L. (1999). Fault of the Injured Party. *Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*(46).
- Katouzian, N. (2014). *Legal Events*. Enteshar Publishing Company.
- Mahdi Zawin, N. (2016). The Legal Nature of Liability for the Act of Another.
- Najjzadeh, M. R. (2015). *The Civil Liability of the Government*. Islamic Systematization Studies Office, Guardian Council Research Institute.
- Qudsi, E. (2013). *A Comparative Analysis of the Civil Liability of a Caregiver for the Acts of Persons Needing Care in Iranian and English Law* [University of Isfahan].
- Rostami, V., & Bahadori Jahromi, A. (2009). The Civil Liability of the Government. *Quarterly Journal of Islamic Law Research*, 10(29).
- Safaei, H., & Rahimi. *Civil Liability*.
- Safaei, S. H. (2007). Civil Liability Arising from the Harmful Act of a Minor or Insane Person. *Legal Journal of the Ministry of Justice*(16).
- Safaei, S. H., & Afzali Mehr, M. (2014). The Civil Liability of Guardians for the Harmful Acts of Children (A Comparative and Analytical Study). *Legal Research*(67).
- Safaei, S. H., & Ghasemzadeh, S. M. (2003). *Civil Law of Persons and the Incapacitated*. SAMT Publications.
- Safi, A. (2004). *Durus fi al-Qanun al-Madani (Masadir al-Iltizamat) (Lessons in Civil Law (Sources of Obligations))*. Dar al-Bayda.
- Yazdani, A. (2012a). The Civil Liability of a Teacher for the Act of a Student in Iranian Law with a Comparative Study in French Law. *Danesh-e Hoghoog-e Madani (Knowledge of Civil Law)*, 1(1).
- Yazdani, A. (2012b). A Comparative Study of the Civil Liability Rule Arising from the Act of Another in Iranian and French Law. *Private Law Studies*, 42(4).